

میلعلما وه

کلاس یاربن آ موزل و رکذ و درو یانعم
بجر ماه یاربی یاه هیصوت و

8سلج - رکذ و درو - یرصدن اونء ثیدد حرشد
تاناید

ی نارھط ی نیسدن سحمدحم دیسد جاد الله تیا
هّرسد الله سّدق

میجرّلا ناطیثلا نم لله اذ ذوعأ
 میجرّلا ن محرّلا الله مسب
 نیملعلا بر لله دمحا
 دّمحم انیبذ و اندیس ی اذ الله ی لصو
 نیرهاطلا نیبیطلا هلا ی اذ و
 نیدلا موی یلا نیعمجا مهئادعا ی اذ اذ نعلااو

کلاس تکررد رکذ و درو ی تیرترثا
 ی رصبن اوذع هغیرش تیاور هب عجار ثحب
 دندومرف ترصد دوب

ی ف داروا ی اذ کاذ عم و بولطم لجر ی نیا
 ی نلغشتلاف، راهنلا و لیللا انا نم هعاسل ک
 هیلا فلتخا و کلام نذ و ی درو نذ
 هک متسه ی درف نم» «هیلا فلتخت تک امک
 و متسه هاگتسد رظن دروم. مهاگتسد بولطم
 ی اربار ی تلاکشم تسا نکم نم اذ طابترا
 ،نیا رب هولاء و دروایید دوجو هب امش و نم
 زور و بشزا ی تعاس ره رد نم ی داروا
 راهذ و لیلزا ی تاعاس ره رد ی راکذا. مراد
 هچنانچ و نکذ لوغشم مدرو زا ارم. مراد
 ی تفریم -سنا ن ب کلام- کلام شپ، قباس
 هب مه نلا، ی تفرگی م ار بلاطم وازا و
 «ریگب وازا ار بلاطم و نک هعجارم کلام
 دیامرفی م هک ترصد ملاکنیا هک دش ضرع

لیللا انا نم هعاسل ک ی ف داروا ی اذ کاذ عم و»
 دیامرفی م ترصد. تسیچ شیانعم «راهنلا و
 «. مراد ی راکذا، مراد ی داروا زور هب ناشرد نم»
 ی لناسم؟ دیوگب درو و رکذ دیاب مه ترصد رگم
 لوا بلاطم؛ دریگی م رارق هجوت دروم اجنیا رد

موزا و ؟ دراد انعم هچ رکذ و درو لاصا : هکنیا
 مود باطم ؟ تسا و حذ هچ هب کلاس یارب نآ
 هچ ات و ؟ تسا بولطم یّ دح هچ ات رکذ : هکنیا
 یارب و ناسنا یارب درو و رکذ یالحرم و هبترم
 و ل او حاهمه رد ناسنا ایآ و ؟ تسا دمّم کلاس
 تسا نکم ای تسا رکذ هب جاتحم ، بتارم همه
 همه زا و ؟ دشاب زاینی بتارم زا یضعب رد
 و تسین لامک یارب همدقم رکذ نیا رگم ، رتمهم
 هچ رگید ، دسری ملامک لحرم هب ی تقو کلاس
 اصوصخ ، دنک لامعا هک دراد همدقم نیا هب یزاین
 ماما ! ؟ دشاب ماسلا هیلع ماما لثم یصخش هکنیا
 مّتا و نیلمک همه زال مکا هک ماسلا هیلع قداص
 هب و تیمامت لحرم هب هک تسا ی دارفا همه زا
 می ترضدل احد نیعرد ؛ دندیسر تیلو هبترم
 دیامرف :

و لیللا عانآ نم هعاسلک ی ف داروا ی ل»
 رکذ ؛ مراد درو ی تعاسر هر رد نم . « راهنلا
 » . مراد

یارب ماما ؟ دیوگی م رکذ رگید هچ یارب ماما
 رد دیاب هک تسا ی بلاطم اهینیا ؟ دیوگی م درو هچ
 دوشد تبحصن آشود و لود

؛ درو « زا - « درو » هک تسا نیا هئسم تقیقد
 یانعم هب تغل رد - ندش دراو ی نعید « آدورو ؛ درید
 و دوشب ی رگید زیچ رد ل خاد هک تسا ی زیچ نآ
 یلزنم دراو ی صخش رگا . تسا درو نآ ردصم مسا
 اجنیا رد . هیف درو ؛ تیپلا ی ف درو : دنیوگی م دوشب
 ، درو آمی منابز ربار راکذا نآ ناسنا هک ار ی راکذا
 و قلخ هطساو هب ای ، ظفالت هطساو هب راکذا نآ نوچ
 ی بتارم هک - رس ملاء رد و رکف ملاء رد سفند اجیا
 رد دراو - دوشی م ضرع نآ بتارم دعب لاماد ، دراد

ناسنا نطاب و ناسنا رّسرد دراو و دوشی م بلق
 هتفگ درو اهنیا هب رظن هطقن نیا زا ؛ دوشی م
 و ناسنا هقلق طقف ، دراد دورو هبنجی نعید . دوشی م
 ار یرکذ کی ناسنا ی تقو . تسین نابز شدرگ
 وارد و دوشی م دراو و ابقررد رکذ نیا ، دیوگی م
 سفند و دنکی م ضوع ار و ابلق و درانگی م ریثأت
 رگا لا و دهدی م ریغت و دنکی م نوگرگد ار و
 ی قرف هچ . درادن ی اهدیاف دهند ماجنا ار راکنیا
 رارکت ی روطنیمه ار یرعش کی امش !؟ دنکی م
 کرابم رکذ لاثم باب نم دینک صرفه کنیا ای دینک
 ! دنکی م ی قرف ، دیوگب روطنیمه ار الله لا اله الا
 ! ناهد تکرده و تسا نابز شدرگ و دره

دیحوت ملء ابامی ناسفد هبترم هالصاف

بجوم هنوگچ و دراد یریثأت هچ رکذ نیا اما
 ریغتم و دوشبل و حتم ناسنا رّسو و بلقه که دوشی م
 نیا زا تیاغ و ؟ تسیچ رکذ نیا ی اهتتم و دوشب
 ؟ تسیچ رکذ نیا زا فده و ؟ تسیچ رکذ
 زا ی اهبترم رد ام هک تسا نیا [تقیقد]
 ی صخشره . میتسه راتفرگل هج و ترثک بتارم
 تافص هب و دوخت ایصوصه هب ، یرگید زارتهب
 ملء و تدحو ملء ، دیحوت ملء . دراد علاطا دوخ
 رون ملء ، دیحوت ملء . تسای گنرکی و ی گنری ب
 ملء ، دیحوت ملء . تسا تملظ و ترودک عفر و
 ملء . تسا ترثک و ی روحم دوخ و تینانا عفر
 هنوگ ره درط و ی گناگی و تجهب ملء ، دیحوت
 ، ملء نیا . تسای ترثکی للاق تسا تیناشد و تیشید
 ضحم لامک ملء ، دیحوت ملء . تسا دیحوت ملء
 دیحوت هبترم ، هبترم نیا . تسا ضحم ءاهد و
 رد ام . تسا دیحوت تیعقوم ، تیعقوم نیا ، تسا
 اب فالخم ؛ تینانا هبترم رد ؟ میتسه ی اهبترم هچ

؛یروحم دوخ هبترم رد . دیحوت ابل باقم ؛دیحوت
 ابل فالخم ؛للاقتسا هبترم رد . دیحوت ابل فالخم
 بلس و دوخ یارب عفانم بلج هبترم رد . دیحوت
 هبترم رد . دیحوت ابل فالخم ؛نارگید زا عفانم
 ابل فالخم ؛عفرت و یشنم گرزب و نارگید درط
 و دیحوت قیاقد زا ام هک هچنآ ینعید . دیحوت
 ،میر و ایبرظنرد دیحوت راثا و دیحوت ت ایصوصخ
 ایند رد و ت رتک ملعارد نآ ل باقم هطقن مینیبی م
 ملعارد . دراد رارق دارفار فورظ بسد هب و
 گدندم ،همه ، راثا همه ، عفانم همه اجنآ رد ، دیحوت
 دنکی م میسقت هک تسوا و تساتان کیرد

هب تبسن دارفان دوبء او سلا یاء قح ترضد

دوب هداد روتسد شنادرگاشد هب انلاوم دنیوگی م
 لوصا زای کین درک راک . دنکر راک دنور باهنیا هک
 مدآ زا ادخ . تساکولسد یارب هیلوای نابم زا و
 رفت کیدینک ضرب لاثم . دیایم شدب راکید
 مه یررقم لاثم باب نم و لزئم رد هتسشن
 دنوادخ . دهدب ماجناراک دورنیا و دیایبش یارب
 یورب دیاب دیوگی م ادخ . دیایم شدب مدآ نیا زا
 هتسادن ایی شاپ هتساد دمآرد هاوخ ، ی نکب راک
 لزئم رد نتسشن . تسانم تسدرگید نآ ؛ی شاپ
 ، دسربناسنا یارب یررقم [هکنیا راضتنا رد] و
 دیابناسنا لامد . تساکولسد ابل فالخم لمع نیا
 می تسدب یزیچ هکنیا ای ، دهدب ماجناراک دورب
 ناسنا تسدرگید نآ ، دروآی مذ تسدب ای دروآ
 هب مه انلاوم . درادن یطبرناسنا هب و تسیند
 ماجناراک دیورب دیاب هک دوب هتفگ شنادرگاشد
 لاصا لامد- تیفیک نیا هب ، روظنیا اهتتم ؛دیهدب

بجعتاً لاصا . ه دش کورتم رگید همه لئاسم نیا
 نینچمه کیتسا نکم یروطچ ناسنا دنکی
 می ماچنا راک دنتفری ماهنیا -!؟ دشابی یاهزیچ
 ات . تشاد هکی لاغتشان آربانبی سکره ، دنداد
 رد دندروآی ما ار همه ، دندروآی مریگه چره بشد
 وا . دنتخیری م دوب اندلوم یولج هکی اهرفسد کی
 دوبند مولعم ؛ درکی می طاقار همه تشادی مریب مه
 یزیچ چیه ، هدروآ ردقچ نآ ، هدروآ ردقچ نیا
 دینکض رفیدی م درکی ماگندعب . دمای مذتسدب
 هیارک ، رفذ راهچ ، دراد هلتاء رفذ چندی صخش هک
 شاهچب ؟ تسا ردقچش شاعم ؟ تسا ردقچش اهناخ
 هب نیا زاتشم کیتشادی مریب ؟ تسا ضیرم
 ورب ، وتبشما یارب نیا : تفگی م ، دادی م وا
 ضرفی رگید هک دیدی م درکی ماگند وا ... بلاثم
 رتمکش جراخم ، دراد هچباتود ، دراد نزهک دینک
 وطنیمه و دادی م وا هب رتمک هدرخ کی ، تسا
 دناکتی م ار همه هصلاخرگید و درکی م میسقت و
 دوشی م نیا . دنتشگی مریب ناشلزانم هب مه اهنأ و
 نآ لاماد . تسا ی دیحوتن ایرج ، نایرج نیا ! دیحوت
 زیچ چیه دیاش ، هدرک راک هتفر هک می صخش
 یوت درکی می لاخار شتسد دمای م ، هدرواینر یگ
 . میدرکن ادیپی زیچ زورما ام : تفگی م ، هرفسد

وت ؟ ه دوب وت ریصقت رگم ، نکندی درکن ادیپی -

ی داد ماچنا ار تراک هک

رب ، درکی م راک هکی سک دمآرد زاتقون آ
 ماچنا راک ی نعیدرکی مذ راک هکنیا هب تشادی م
 نیا . داد می - هدرواین تسد هب یزیچی لو هداد
 . تسا دیحوتن ایرج ، نایرج

مینکی م دروخربی تیاور کی هب ام هکی تقو

هاندانجاورا، الله يقبتر ضدرو هظن امز رد: هك
ديآيم نمؤم، فيرثلا هجر في لاعت الله لّجء و
دهاوخب هچره و نمؤم بيچ رد دنكي م تسد
نوچ؟ ارچ. مينكي مذ بّجعت رگيد، درادي مر ب
دنكي م قّحم هعماج رد ار ديحوت، تر ضد
ي م ماجنا، ار ي ديحوت قياقدن آ ديآيم تر ضد
دهد.

ي راک ن آ. دهدي مذ ماجنا ي راک تر ضد سپ
ميراد ام. تسين فلاخ، دهدي م ماجنا تر ضد هك
ماجنا ار قّدر راک دراد وا. ميهدي م ماجنا فلاخ
نيا. دهدي م ماجنا ار حيص راک دراد وا. دهدي م
کي دوشي م مدرم هب تمدخ و قلخ هب تمدخ
ي ديحوت ن ايرج.

تر ضد و قّده هب تبسند، دارفا همه، ديحوت رد
ي راولش تک، ملاء؛ دنتسه ءاوسلا ي لء قّده
رجات، لاقب، س دنهم، کشزپ، داوسي ب، ل هاج
هب تبسند ناشطابترا، اهنيآ همه، دارفا همه، عراز
وحن هب؛ تسا ي واستم طابترا، قّده تر ضد
حلاطصا ربانب؛ کي کشت وحن هب هذ، ي طاوت
ن امه هب. دنراد طابترا ن آ اب همه اهنيآ. بلاط
طابترا مرکا ربمغيپ اب ل اعتم دنوادخ هك مز ادنا
طابترا ي داء درف کي اب مز ادنا ن امه هب، دراد
هدر ب لآ اب ار ش دوخ وا. دنكي مذ ي قرف چيه؛ دراد
تاء هيجانزا ي لو؛ دنک هداقتسا ر تشيب هتسناوت و
تسا ي واستم؛ تسا ي طاوت م طابترا، طابترا
دنكي مذ ي قرف.

قلخ هب تمدخ و مدرم هب تمدخ ن يار بانب سپ
راگدرو رپ تافصزا ي کي، قلخ جايتحا عفر و
همه هب تبسند ل اعتم دنوادخ هضافا ي نعي. تسا

و ی‌کینید ی‌قرف و تسام‌ماء هضافا ، قیلاخ
 هک‌ی‌اهبترم ن‌آ بسدهب‌لا دراذگی‌مذ‌ی‌رگید
 رتشیب‌هتسناوت و هدرب‌لااب‌ار‌هبترم‌ن‌آ ، درف‌دوخ
 و ی‌کینید و ا. دراذگی‌مذ‌ی‌قرف و ا. دنک‌هدافتسا
 ی‌زایتما‌اجن‌آ‌رد. دوشی‌مذل‌ئاق‌زایتما‌ی‌رگید‌نید
 رد‌ی‌فلاتخا و توافقت‌اجن‌آ‌رد. تسین‌ی‌زیم و
 فلاتخا‌مینیبی‌م‌می‌آی‌م‌هک‌اجنیا‌اما. تسین‌دیحوته
 و ا‌ش‌پ‌موری‌م ، تسام‌قیفر‌نیا‌ن‌وچ‌ن‌م. تسام
 و ا‌اب‌و‌منزی‌م‌رسد‌و‌ا‌هب ، منکی‌م‌کمک‌و‌ا‌هب‌و
 ، تسین‌م‌قیفر‌ن‌وچ‌ی‌رگید‌اما ؛ مراد‌دما‌وت‌فر
 منزی‌م‌زد‌رسد‌و‌ا‌هب‌لاصا ، منکی‌م‌ذ‌ش‌یانته‌ع‌لاصا
 . تسام‌فلاخ‌ن‌یا . می‌آی‌منرب‌و‌ا‌ج‌ئا‌و‌ح‌ع‌فر‌رد‌و

تسام‌ی‌سک‌ه‌چ‌ن‌ینم‌ؤ‌لار‌یما‌ه‌عیش

چندی‌پیش‌من‌با‌یکی‌از‌دوستان‌عزیزمان ،
 جناب‌آقای‌دکتر‌سجّادی ، ملاقاتی‌داشتم. ایشان‌یک
 قضیه‌خیلی‌جالبی‌را‌از‌مرحوم‌آقا‌نقل‌می‌کرد.
 می‌گفت: یک‌روز‌من‌از‌مرحوم‌آقا‌سؤال‌کردم؛
 گفتم: آقا‌ما‌در‌امریکا ، در‌بیمارستان‌ها -ایشان‌در
 آنجا‌رئیس‌بیمارستان‌بود‌و‌موقعیتش‌خیلی‌ممتاز
 بود- می‌دیدیم‌این‌پرستار‌ها‌و‌این‌نرس‌ها‌خیلی‌به
 مریض‌ها‌می‌رسند ، خیلی‌اخلاق‌خوبی‌دارند ،
 خیلی‌در‌صدد‌رفع‌نیاز‌آنها‌و‌احتیاج‌آنها‌هستند.
 مریض‌تا‌چیزی‌نگفته‌فوراً‌اینها‌به‌کمک‌او
 می‌آیند. تا‌یک‌چیزی‌را‌هنوز‌تقاضا‌نکرده‌در
 اختیارش‌قرار‌می‌دهند. با‌اخلاق‌خوب ، با‌روش
 خوب ، با‌برخورد‌خوب ، همیشه‌مریض‌را‌راضی
 نگاه‌می‌دارند. اما‌ما‌اینجا‌اسم‌خودمان‌را‌شیعه
 امیر‌المؤمنین‌می‌گذاریم ، با‌چشم‌خودم‌من‌می‌بینم
 بر‌سر‌مریض‌داد‌می‌زنند ، فریاد‌می‌زنند: برو‌گم
 شو! برو‌روی‌تخت‌بخواب! برو‌نمی‌دانم‌چه‌کار

بکن! دائم من به این نرسها می گویم: آخر با مریض خوش رفتاری کنید! این مریض است، اختیار ندارد، حوصله ندارد، اینها گوش نمی دهند. می گفت: مرحوم آقا به من گفتند: «شیعه امیرالمؤمنین همان نصاری هستند، نه اینها!» مرحوم آقا که شوخی نمی کند. شیعه امیرالمؤمنین کیست؟ اینکه برخلاف روش حضرت عمل کند؟ این شیعه نیست. یعنی چه؟ یعنی آن نصرانی که دارد الآن با این مریض بیچاره که دستش از همه چیز کوتاه است و اختیار خودش را ندارد و اخلاقش، اخلاق تند است - مریض است دیگر، مریض که قابل برای سرزنش و توبیخ نیست - دارد با او با لطف عمل می کند، با مدارا عمل می کند، [در مسیر امیرالمؤمنین گام برمی دارد]. الآن که آن پرستار، در آن حالت به این مریض می رسد، مظهر اسم رحمانیت و رحیمیت پروردگار واقع شده است. به این مقدار الآن خودش را به توحید نزدیک کرده است. به این مقدار الآن خودش را به عالم وحدت و عالم بسط، نزدیک کرده و چون لوادار توحید، وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است و چون پرچمدار توحید، وجود مبارک علی بن ابی طالب است پس بنابراین بخواهد یا نخواهد - و آءاش نینمؤماریم تیلو و اول تحت رد - ءاشیلا نیمه تمایق زور. بتسا هتفرگ رارق ملاء هیلاء ام تسد] تقون آ. دریگی م ار و اتسد دیآی م سی لع!

!هنذ [ار

ص یخشت س اسار بدل معی نعی کولسد

ن ارگید تیصخش ریثأت تحت هنذ و قح

ل بقء سلج دنچ رد نم دشاب اقر فیرشد دایرگا

لاءا هك مدرک ضرعان ارهط رد مراد رطاخ هب

ی نعی کولسد . دراد یرگید ی انعم کی کولسد
 دهدی م ص یخشتق دن اسنا هک هچنآ قبط رب لمع
 رد اهنتم . کولسد دنیوگی م ار نیا ، دنک لمع و
 نآ رد ی تقو هک میراد ی یاهر ایعم کی ام اجنیا
 توافدت اهر ایعم مینیبی م ، میوری م میضه فرط
 ریغتب لاطم . دوشی م ضوع اهباسد . دنکیم ادیپ
 نآ رد ، دوری م ق دل ابند هکی سکن آ . دنکی م ادیپ
 هعیش ، تسا ق دل ابند هک ی تیعموم
 ق دل هک ق قحتم هکی تقو نآ رد . تسا نینمؤمار یما
 . تسا نینمؤمار یما هعیش عموم نآ رد تسا
 ی م نینمؤمار یما ؟ دیامرفی م هچ نینمؤمار یما
 نآ ، یوربی هاوخی م هکی مدق ره رد : دیامرف
 تمدق نآ . رادر بر کف اب ؛ رادر بل ماتد اب ار تمدق
 راعشل ابند هک . نک تکرد و رادر بل قعدت اب ار
 روحسم . نک تکرد و هایه ل ابند هک . ورن
 تیصخش روحسم رگان اسنا . ش ابند در فت یصخش
 . دوری م نیدزا و ا هلقاء هوق ، دوشبی صخش کی
 ماجنا هک ار ی بلاطم دنتسه دارفا زا ی رایسب
 ، تسا ق دل بلاطم ، بلاطم هکنیا ولو دندهی م
 ریثات تحت] ، دندش عقاو تیصخش روحسم نوچ
 ، درادن هدیاف نیا و دوری م ق دل ابند [تیصخش
 رارق ی تیعموم کی رد ناسنا . درادن ی شزرا چیه
 ، تسیند هنریگ میمصت و ا هلقاء ی اوقه هک دریگی م
 ! دریگی م میمصت ناسنا ی اربت اساسدا هکلب
 رثا نیا . درادن هدیاف نیا دیامرفی م نینمؤمار یما
 : دنیوگی م لمع نیا هب زور ما حلاطصار د . درادن
 ی نعی ؟ هچ ی نعی دینادی م امزیراک ، امزیراک
 دنک هتفیر فار ناسنا ی روط ، صخش کی تیعموم
 نآ هاوخلد قبط رب ناسنا رُعشید لا تُثید نم هک

دیابری م ار ناسنا ، تّیصخش . دنکبل م ع تّیصخش
در اذد هدیاف نیا ! ر کفت هذو لّقت هذ

ی جراحی ماهه دنناوخ نیا زا ی ضعب دنیوگی م
دندناوخی م و دندمآی م بعلا و وهلا س لاجم رد هک
لئاسم نیا زا هکن لاا ، دوب هک ق باس اجنیم هر د-
ی روط اهنیات تّیصخش دنیوگی م - ! تسین رگید
اهنیات زا ی لیخ هک دادی م رارق ریثأت تحت ار دارفا
هذدناوخ نیا رایتخا رد ار ناشدوخ دندوب رضاح
نانچ ی نعید ؛ دراد تیعقاو اهنیاهمه . دندهد رارق
ی م بنج ار اهنیاهذدناوخ و هذنیوگ نآ تّیصخش
م هر کید اهنیاه ، ی رایتخاهنوگچیه نودب هک درک
دندشی م عقاو ی اهتر م نینچ

اجناً رد - وئام- نیچ ق باس ره ر ت لا او ح ا رد
ره ن اشیا دندوب هتشون هک م دنناوخی م تقو کین م
هدر کذ رهوش دارفا اب م ه ن آ ، ر ف ذ ک ی ا ب ا ر ب ش
هک دوب باب نیا زا هذ نیا . دنارذگی م مزیشود و
کی دارفا ر ب ر ابجا ه ب و ر ب ج ه ب و روز ه ب اهنیاه
روطنیا هذ ، دندرکی م لیمحتار ی اه لئسم نینچمه
هک درکی م روهقم ار اهنیاه نانچ تّیصخش . دوبذ
نودب ی اه یضقه نینچمه کی لابق رد اهنیاه لاصا
و تبغر لامک اب و لیم لامک اب . دندوب رایتخا
؛ دندرک رفسد م تفه ن امسآ و شرع ه ب لاصا راگذا
ره ره ، نیچ ره ر [اهناً فرط] دندی م ی تقو
نینچمه کی ، ی تیعمج در ایلیم کی ت کلم کی
هدوب اهنیاه رکف و اهنیاه ن هذ لاصا ! تسای صخش
تاغیلبت هک تسای مهم ه لئسم رایسب نیا و دشیم
، دیابری م ار ناسنال قعو ناسناتار ایتخاهنوگچ
ی م تّیصخش ن آ روهقم ار دوخ ناسناهکی و حنه ب
ل اعفا و لامعا ه ب تبسن ی کلمت هنوگچیه و دنیب

در اذنش دوخ

هبع جار دنکی م لقنه کل ناسم نیمه زای کی
ن اوجوند، ن اوجده کی و ا دنیوگی م. بتسا رلتیه
هدرک تیرت ار یروط ار - غلاب ریغ، قهارم -
ریز و دنتفرگی م تسد هبع ک جنران اهنیا هک دوب
مدهنم ار نیقتمه ش ترا ل ناسو و دنتفری م کنات
رد دندوب هدروا موجه اهنأ هک ی تقو. دندرکی م
هبع دوب کیدز نرگید هک دوب رخآ ی اهزور و ن لرب
تشاد روضد اجنا رد ش دوخ هک ی نامتخاسد ن آ
زور دنچ، غلابان ی ا ههچد نیمه هطساو هبع، دنسرب
ی فل معنیا ایآ. دوب هتفرگ ار نیقتمه هلمدی ولج
لاماد دینکب ضرفی نعید؟ تسا بحیحص هسفن دد
رد وا و درادن ایاضه زای کرد هک ی اهچب کی
و دریگب رارق رفذ کی ی غیلبت ی اوق ریثأت تحت
ی ولج ار ش دوخ، دنک ادفا ار ش دوخ و دیاید دعب
دریب کنات ریز هبع و [دهد رارق] گنفت و ل سلسم
!دریب نیدزا و

هچ، لقعن نازیم و لقع رظن هطقن زای
ریو صت لمع نیا ی ارب میناوتی م ام ی هاگیاج
عاونان زای ضعبن لآ. درادن ی شزرا نیا؟ مینک
شخپ ار ی قیسوم نیا رگا هک تسه اهی قیسوم
فک زارایتخا لاصا و دوشی م دوخیدن اسنا، دنک
دوخ، دوشب هجوت م ش دوخ هکنیا نودب و دهدی م
بوخ. دهدی م رارق ی تکلاه تیعقوم کیدر ار
رفذ کی امش هک تسا نیا لثم. درادن ی اهدیاف نیا
و رایتخا، دینک ش مزیتهینام، دینک ش مزیتونپیه ار
ورب: «دیتسرفدار و ادعب و دیریگب و ازار تردق
ماکحان زای کی لاصا و «اهدب ماچنا ار ماکنیا
ی صخش کیدرگا هک تسا نیا میراد ام هک ی عرش

ن آ ی نعی- رشابم ن آ اب، دهدب ماجنا ار لمع نیا
ی صخش ن آ هکلب! چیه؛ دننکی منی را ک چیه- ل عاف
و دننکی م ش مادعا دنریگی م ار ن آ دود ب بسم هک
ص صاصق ار وا، دنریگی م هید هک دینک ضر ف و ا زا
لمع ن آ ر ب بتر تم هک ی ئاز ج ل ئاسم ن آ . دننکی م
؟ ار چ . دنهدی م ماجنا وا هب تبسنا ار ن آ ، تسه
در ادن رایتخا رشابم نیا نوچ

مثل یک دیوانه‌ای که می‌رود یک عملی را
انجام می‌دهد. مثل یک فرد خوابی که توی خواب
بلند می‌شود [و راه می‌رود]. بعضی‌ها هستند که
در خواب بلند می‌شوند و می‌روند. بعضی‌ها را
خود من دیدم که بلند می‌شوند حتی لباسشان را
می‌پوشند؛ نمی‌فهمند؛ لباسشان را می‌پوشند، از
منزل بیرون می‌روند، برمی‌گردند. حالا اگر یک
شخصی در خواب بلند شد و رفت و یک نفر را
کشت، شرع [با او] هیچ کاری ندارد. البته دیه بر
عاقله است، دیه باید بپردازند ولی این را اصلاً
قصاص نمی‌کنند، تقصیر ندارد. اگر دیوانه‌ای
بدون تفریط کسی، بیاید یک عملی را در خارج
انجام بدهد، با او کاری ندارند، عقل ندارد، اختیار
ندارد. این هم همین است! فرض کنید شما با یک
آهنگ مهیجی، یک نفر را تحریک کنید بدون
اختیار برود یک عملی را انجام بدهد، خوب این
ارزشی ندارد. عمل انسان باید روی عقل باشد.
روی اختیار باید باشد.

کی اب هجاوم رد دارفا هک دینک ضر ف
ی روطنیمه، ت یصخش ن آ ریثأت تحت ی یصخش
دادیب و داد، دننزی م ناشرسد وت، دننکی م هیرگ
ت یصخش نیا زا هک [نوچ، دنزادنا ی م هار]

ی م ادیپ اهنا ی ارب ی تّقر تلاد ،هدمآ ناششوخ
 ی م ی قرف هچ نیا ریغ نید و نیا نید لاماد .دوش
 هبّاعقاو ،مدشل لاد نیا هب بلقنم هک نم ایآ ؟دنک
 وای نطاب و ی تیصخش ت ایصوصذ و هک
 دندمآ نم ی ارب ؛هذ هکنیا ای !؟مدرک ادیپ ی سرتسد
 ناید ی رگید روج ار هئسم ،دندرک فیرعت
 ناید ی رگید وحن هب ار ت ایصوصذ ،دندرک
 ل وحن نیا .درادن هدیاف نیا .مدشل و حتم نم ،دندرک
 ی م نید زا و دوشی م ضوع رگید ت یعقوم کی اب
 .درادن هدیاف نیا ،دور

لقع ساسا رب ادهشلا دیس باحصا تکره

هوسا همه ی ارب ،لابرک نایرج میوگی م ارچ
 ی اج هب دناوتی منی رگید نایرج چیه ارچ ؟تسا
 ی درمرید ات غلابان لفظ ن آ زان وچ ؟دنیشن لابرک
 رکف اب ،رهاظمن ب بید و هجسوعن ب لمسم دننام
 ماما ت ایصخش ریثأت تحت هکنیا هذ دنا هتفر ولج
 ش زرا و درادن هدیاف ن آ .دنشاب هتفرگ رارق نیسد
 ش باحصا هب اروشاع زور رد نیسد ماما .درادن
 لقع ،درک قیرزت رکف ؛داد رکف ش ناکیدزن هب و
 مساق ترضح .درک قیرزت رایتخا ،درک قیرزت
 .تفرزن ادیم هب تاساسحا ریثأت تحت ماسلا هیلع
 ساسحا ش ناج اب ار گرم تذل و گرم تقیقد
 ماسلا هیلع ادهشلا دیس باوج رد اذل ؛درکی م
 ی ارب لسع زا «ل سعلا ن م ی لحا» :درک ضرع
 هک دیمهفی م ار ی زیچ کی «تسا رتن یریش نم
 !«ل سعلا ن م ی لحا» :تفگی م

زور رد ماسلا هیلع ادهشلا دیس باحصا
 ار ادهشلا دیس تیلو تقیقد و تیعقاو ن آ اروشاع
 ی سک رگم .دندرک کاردا ناشدوجو مامت اب

می‌مذرگید؟ در ادرب تسد دناوتی‌م دنکب کاردا
نانچ. دندشدن عقاو ریثأت تحت! در ادرب تسد دناوت
ماهوکرگا که دندوبتفسو و بآصتم ن‌اشمار مرد
اما. در ادش زرا نیا. دندیبجی‌مذاهنا دیبجی‌م
،دنکب مزیتونپیه ار همه اهینیا دیایب ن‌یسد ماما رگا
رگم ،دندکی‌م مه نارگید بوخ. در ادنی‌اه‌دیاف
ادهشادآیسد تیصخش ریثأت تحت رگا؟ دندکی‌مذا
،دندرب رگش باق به ار ن‌اشدوخ و دنوشب عقاو
در ادنی‌اه‌دیاف

زا دعب تانایرج اب لمج گنج عیاقو هباشت ی‌سوم ترضد

در جنگ جمل این اصحاب کور عائشه، اینها
تحت تاثیر شخصیت او واقع شدند. می‌آمدند جلوی
جمل عائشه خودشان را قربانی می‌کردند؛ که زن
پیغمبر از بین نرود: «ای وای زن پیغمبر آمده در
میدان»، «ای وای آسمان به زمین رسیده»، «ای
وای نمی‌دانم چه شده»، «ای وای...». آن وقت شما
ببینید اینها چه تبلیغاتی را شروع کردند. اولاً مبلغین
آنها، ریش درازهای آنها، از صحابی بزرگ،
جناب طلحه و زبیر- طلحه و زبیر کم نبودند. طلحه
و زبیر از مجاهدین درجه یک صدر اسلام بودند-
ریش سفیدها، عمامه بزرگ‌ها و تسبیح به گردن‌ها
بودند. طلحه و زبیر، این دونفر، دو رکن اساسی
این جنگ، به خیال خودشان [به دنبال] احقاق حق
و قیام برای خون عثمان و گرفتن مظلوم و اینها
بودند. این، این طرف؛ [ثانیاً] از آن طرف آمدند
گفتند: یکی را پیدا بکنیم که ما بتوانیم پشت سر او
سینه بزنیم، بتوانیم هر کاری می‌خواهیم بکنیم.
عائشه را آوردند و سوار بر شتر کردند و در همه

شهرها و به همه افراد به نام أم المؤمنین نامه می‌دادند. نامه‌هایی که عائشه می‌داد به افراد نِم- ی‌لیخ اهنیا - «الله لوسر هَجوزَ ، نینمؤملاًمُ ، هَشْناءُ ام ی‌ارب خیرات. تسامهم ام ی‌ارب اهنیا. تسامهم هَجوزَ ، نینمؤملاًمُ ، هَشْناءُ مان هب. تسامهم ی‌لیخ هدمآ اجنیا رد ربمغیپ نز اقاآ [دنتفگی می]. الله لوسر رسپ سی‌لع ؟ تسیک سی‌لع ، دینک اهر ار سی‌لع ، ولج ، اجک ربمغیپ نز. تسا و داماد. تسا ربمغیپ ی‌ومع ار مدرم اهفرح نیمه !؟ اجک ربمغیپ ی‌ومع رسپ هک دارفا ی‌ارب دندادی م همان ! اهن نیمه ؛ دز لوگ ی‌هاوخنوخ ی‌ارب هدمآ ربمغیپ نز دینیب و دیباید روطنیا ی‌لع نیا ؛ تسا روطنیا ی‌لع نیا » ! نامثع ار نامثع ی‌لع هک ی‌لع رب تمهت تقون آ . تسا ! هتشک

نامثع هکنیا زالبق هک وت ! راکبان یا رخآ : ی‌تفگی م ، درک عطقه ار تقوقد نوچ دوشب هتشک . دیشکب ار ی‌دوهید بلعثنیا « رَفَك دَقَفْ بِلْعَثَا اوْلُنْقَا هک تسای‌هابور کی مسابلعث- . هشد رفاک نیا واهب تهجنیا زا ار نامثع و دنتفگی م اهی‌دوهید ار وا - دزی م گنل زیند وای‌پ اریز ، درکی م همیشه زا ار تمهس نوچ ؟ ارچ ! هشد رفاک و . دیشکب !؟ تسا هداد ، دوب هداد رمع هک ی‌رادقم نآ لاملات ی‌ید دنلب نامثع ی‌هاوخنوخ هب هغد کی هشد هچ لاماد ! هتفرگ تسدب ار هامز ی‌لع نوچ ؟ ارچ ، ی‌دش هب دی‌ام دوشی م دنلب ادخلوسر هجوز تقون آ . دناروشی م ار مدرم . دیزی م تمهت ادخلوسر داماد ی‌ارب اهنیا هامت . دناروشی م ار مدرم ، قح هیلع رب ار مدرم هَشْناءُ تشپ دندما اهنیا ! تسایند زور و دوب ربمغیپ نآ ؟ دنمهفی م هچ مدرم رخآ . دندرک عمج هیآ مادک ! ی‌نک تعاطاش رماوا زا دیاب دما هیآ هک

!؟هيا مادک؟ یورب ریمغیپ نزل ابند دیاب هدمآ

ی سوم تر ضد زا دعب نایرج نیمه نیع
رتخد اروفصد، ی سوم تر ضد نزل. دتفای مقافتا
تر ضد ی صوتو نوعمش لباقم رد دما، بیعش
تر ضد رابذا زا ی ضعب ربانب نوچ- ی سوم
و دوب هتفر ایند زا ی سوم تر ضد زال بقن و راه
،ن و راه ربق رانک رد ی سوم تر ضد ربق
،درک عمج ار مدرم. درک هایق-تسا، شردار ب
اروفصد رب نوعمش ی تقو و داد بیترتی رگشا
:تفگ و درک اهر ادخ هار رد ار وا، تفای تسد
بتسادخ ابوت باسد

قافتا نینمؤلاریما یارب نایرج نیمه نیع
مرکا ریمغیپ هک نیا! تسا بیجعی لیخ. دتفای م
،داتفا قافتا ی سوم موق رد هک هچنآ مامت: دندومرف
نآ! یلع ای یّتح، دتفای مقافتا نم موق رد
نآ مامت، دتفای مقافتا ی سوم زا دعب هکی تانایرج
هرانشا؛ دتفای مقافتا یلع ی او تی ارب، تانایرج
نم نزل، نم زا دعب هک دوب هشئاع نایرج نیمه هب
دتسیایم وتل باقم رد و دنکی م عمج رگشا دیایم
رفظ هشئاع رب ماسلا هیلع نینمؤلاریما ی تقو و
فِعْضِ اِهْكَرْدَا دَقْفَةَ شِئَاعِ اَمَّا وَ» :دومرف، درک ادیپ
وَ ی لَوْلَا اِهْتَمِرُدْ کَاذَ دَعْبِ اِهْلِ وَ عَاسِنَا رِمَا
هب، تمرح نامه شتمرحد»¹ «اللّٰهُ یلعُبُاسِحًا

¹ :تیاور لصا: 156 هبطخ، هغلابلا جهذ .

ی فِلاَغْنُ غِضْوٍ ،عَاسِنَا ی اُر اِهْكَرْدَا فَا فَا نَلَا فَا مَّا وَ»
نم ل اَنْتِلْ تَیْعُدْ وَاو ،ن یَقْلَا لِجَرْمِکَ اِهْرِ دَصْ
اِهْتَمِرُدْ دَعْبِ اِهْلِ وَ .لَعَفْتُمْ یّی لَّا تَتَا م ی رِیَغْ
«ی لَعْتِ اللّٰهُ یلعُبُاسِحًا وَ ،ی لَوْلَا

«ادخ هدهع رب مه باسد ،ظوفحم ش دودخ یاج
!ی نادیم هچره ت دودخ

،هشئاعل مجرود دندوب هدمآ دارفانیا تقونآ
نینمؤماریمآ .دندرکی م ی نابرق ار ناشدوخ
یروطنیمه ماعذلاًک تلم نیا دید ماسلا هیلع
نیا راکه راج ت فگ .دنشکی م ار ناشدوخ دنراد
.دنریمب اهر اچیب نیا ،مدرم نیا میرانگنه کتسا
هک ی تقو .دننک ی پ ار هشئاع رتشد دنرادرب ت فگ
رارف و دندش قرّفته همه ،دندرک ی پ ار رتشد
.دنتسه روطنیا تلم نیا .دندرک

ربمغیپ همه نیا ،یاع ت یصخش ،یاع نیا لامد
هب عجار همه نیا ،هدرک ایصوت یاع هب عجار
اما .دوری م نیدزا اهنیا مامت ،دومرف بلطم یاع
نامه نیا !ربمغیپ نز !الله لوسر هجوز ،هشئاع
اهنآ لوقع مامت دیایم ت یصخش نآ .تسامزیراک
.دناشوپیم ار همه ار اهنآ رایتخا .دناشوپیم ار
رگید ،تفرگ ار لقع ی تقو .دریگی م ار لقع
.دنامی منی قابی زیچ

.دنکی م هیجوت ار قح [ی درف نینچ] تقونآ
.دنکی م هیجوت ار بذک .دنکی م هیجوت ار قدص
.دنکی م هیجوت ار فلاخ .دنکی م هیجوت ار ءارتفا
،ماه ت یعقوم مامت .دنکی م هیجوت ار فلاخ ریغ
هکنیا رطاخه ب ؟ارچ !لیوأت و هیجوت دوشی م همه
هتفرگ [ربرد ار وا دوجو مامت و] هدمآ ت یصخش
،کولسد و ریسد ت فآ و رشب ت فآ نیرتگرزب و
ار ناسنا ت یصخش ؛تسا ت یصخش رد لافغا
.دنکل افغا

نم ؛درادی اهترم کی ی سکره ،ن اجاقآ هذ
هترم نیا زار تلابارم .متسه هترم نیا رد ن لآ

امشد . دیتسه ل وئسم ن اتدوخ دیتشانگ رگا ؛ دیر انگن
 هبترم نامهر رد دیابنم ، دیتسه ی اهبترم کیرد
 مدوخ ، مدادن ماجنا رگا ؛ مهدب ماجنا ار ماهفیظو
 ماجنا هک ار ی لمعنم تسانکم . متسه ل وئسم
 و دشاب بسانمان ی درف کی یارب مهدی
 شدوخ ار قدهار وا دیاب ، دشاب حیحصریغ
 اب تروشم زا دیابناسنا ، هلب . دهدب صیخشت
 دیابنارگید اب تبحصد زا . دنک هداقتسانارگید
 . دنک هداقتسان دیابنارگید اب تقافر زا . دنک هداقتسا
 عقاوی سک تّیصخش ریثأت تحت میباید هکنیا اما
 ؛ میهدب هولج حیحصد ار وفلاخ بلاطم و میوشب
 . تسانداد بیرفدوخ ؛ تساندر ل وگدوخنیا
 ناسنا دیابن . دشابدوخ یاج هب دیاب یزیچره
 ار یرگید فلاخ دیابن و دنک داقتنا ی سکزا دوخید
 تّحصدهبلمد . تساطلاغ . دنک هاگن سُد هدید هب
 ار فلاخ دیابنرگید ناسنا ی لو ، دراد انعم کی
 . دنکی منی قرف . تسافلاخ ، فلاخ . دنیب حیحص
 . تسانیا ماسلا هیلع نینمؤماریما

ملاء هب دورو یارب ناسنا دادعتسا

دیحوت

، دراد یراثا کی و تآیصوصد کی دیحوت
 مینیبی مینکی م هاگن نامدوخ هب هکی تقوام اما
 ی . مینکی م تکرحد میراد دیحوت فلاخر بتسرد
 یارب ار تعفنم نآ ، میسر بی تعفنم کی هب میهاوخ
 هب ار ی تعفنم هک دنه او خبام زارگا . میرادربدوخ
 نیا دوشی م مولعم ! هذ : مییوگی م ؛ میهدب یرگید
 ی م یابیز نر هب . تسا هدیسن دیحوت هب صخش
 . دشابامدوخ هجوز ابیز نر نآ میهاوخی م میسر
 زونه مهوا و تسه ام رانکردام قیفر ی تقواما

ایا؛ میتفرگدن ز مه ام هک دینک ضر ف، هتفرگدن ز
 ی یابیز ن ز نیا هک مینکی م رکف چیه ن امدوخ اب
 و تفع و ت ایصوصخ و قلاخا نیا ی اراد هک
 چیه!؟ میهدب ن امقیفر بهل و ا ر نیا، تسا ت باجذ
 فلاخ نیا! هذ؟ میا هدرک ار رکف نیا ن امدوخ اب
 میسقت دنه اوخی م تسه ی لام کی بتسا دیحوت
 لامح. دتفیب ام مان به عرق مینکی م ادخادخ، دننک
 ، دشاب هتشاد ی رتشیب جایتحا ام قیفر تسا ن کم
 ب صنم کی بتسا دیحوت فلاخ نیا! هذ میوگی م
 م ه ار تیقوم و ب صنم نیا هک تسه ی تیقومو
 ی م رگید ص خشد کی به م دنهدب دنناوتی م ن م به
 ن یو و انئیب اما. تسین م ه ام قیفر ولو دنهدب دنناوت
 ، تسام زا رتشیب ش تقایب ص خشد ن آ مینیبی م الله
 بتسا دیحوت فلاخ نیا. دنهدب ام به میوگی م ی لو
 نیا، ام ل هج نیا! میتسه ی مدآ نینچم ه کی ام س پ
 دیحوت راثا نیا و دیحوت نیا و ترثکرد ام به تر م
 فرط کی زا و؟ میسر ب نیا به ی روطچ ام لامح
 عفر ی ارب دادعتسا ام دوجو رد دنوادخ مینیبی م
 ، هداد رارق ار اهتلا هج نیا عفر، ص ئاقد نیا
 ار ءایلوا، هدا ت سرف ار ن ارمغیپ، هدرک هیصوت
 دعتم ن اسنا رگا. تسا هداد روتسد، هدا ت سرف
 نیا؟ تسا هدرک به چ ی ارب ار اهراک نیا س پ، دوبذ
 مولعم س پ. تسا هدید کرادت ام ی ارب ار اهراک
 ل طاب و وغل [راک نیا] لا و میدعتسم ام تسا
 دوبدهاوخ

نیا مینیبی م، مینکی م معجار م ن املقع به ی تقو
 هناوید ن اسنا رگم رخا! تسا ی ملع به چ دیحوت
 ملع نیا ت ایصوصخ زا و ملع نیا زا هک تسا
 ملع ن آ رد میوشی م ی ملع کی دراو؟ دیاید ش دب

، تسه ییامش و یی نام هن ، تسه یی نیم هن رگید
ءاهب همه ، ساک کی همه ، هرفس کی رس همه
، ق لطم مدء ، ق لطم لامج ، ق لطم لامک ، ق لطم
م هاوخی مذ دیوگب هک دشاب هناوید یی سکرگم

لام کی هک مینک ضرف رگا لقاء مدآ یی لو
ار لام نیا نم دیوگب ، تسه اجنیا رد یی رایسب
، دراد دوجو اجنیا رد یی بیجء مدء کی ، م هاوخی مذ
، تساجنیا رد یی بیجء لامک ، م هاوخی مذ دیوگب
یی م مولعم سپ! تسا هناوید نیا ؛ م هاوخی مذ دیوگب
دناشکی م دیحوت تمس هب ار دوخ ، ام ترطف دوش
تمس هب ، تیدوبء تمس هب ار ام هک تسام ترطف
تینانا عفر تمس هب ، باجد عفر تمس هب ، ق لاطا
رد مینک رکف ام اعقاو یی تقو یی نعید دناشکی م
هک دیآی م یی نامز کی مینیبی یی تقو ، نامدوخل اوحا
هک یی تآیصوصخ ن آ ل اثم باب نم - نامز ن آ رد
یی نم و وت - میدینش الله تعالی ترضدن نامز هب عجار
ق لطم تلادء ، تلادء نامز ن آ رد . درادن دوجو
و تاظابترال ئاسم نیا رگید ، نامز ن آ رد . تسا
رگا ، نامز ن آ رد . دوری م رانک همه رگید اههقلء
لزنم زا مام کی و دیرانگب زابم هار ن اتلزنم رد
ن آ رد م هار ایند تارهاو جمامت ، دیوشب ج راخ
یی مذ هاگن اجنآ هب لاصا یی سک ، دیهدب رارق لزنم
هک یی تیاور قبط هک تسا یی نامز کی رد . دنک
و اهنز نیرتابیز هک دینک ضرف رگا میراد
دنرانگب م ه شرس رب رهاو ج زا یی دبس ، ن ارتخد
یی سک لاصا ، دنورب رگید رهش هب یی رهش کی زا و
نم هک دسرب یی نامز اعقاو . دنکی مذ هاگن اهنا هب
رد تلادء و تینما و ش مارآ و ش یاسا ل اثم باب
دنکی مذ ار ش روستن اسنا هک دشاب یی تعقوم کی

ی‌تبعقوم نیچمه کی به‌بار ام، ام ترطفاً عقاو ایآ
تسا یراکن امه‌نیا؟ تسیچ‌نیا؟ دنکی مذقیوشت
دیحوت داجیا رد و دیحوت قیقحت رد ترضد هک
ترضد رگا لاماد هزات. دهدب ماجنا دنه‌اوخی م
هذ. دهدب ماجنا دسر دصد ار شاهمه دناوتب
نیربت‌شهدار نیمز و دروآی‌م ار ن‌آ زا یرادقم
رد هک دسرب‌ی‌الحرم کی به‌ن‌اسنا لاماد. دنکی م
و تساق‌د ترضدی تاذت‌ایلجت طقف‌الحرم ن‌آ
درادن دوجو اجنا ردی‌ترتک و تینانا ه‌نوگ‌چیه
دنیشنی م ایآ، دشابل‌قاء ص‌خشد کی رگا‌اعقاو
می‌هاگذر وطن‌یمه و دراذگی م تسدی‌ور تسد
؟ دنکر اکه‌چه‌ک‌د‌تفای م هر اچل‌ابند به‌کنیا ای، دنک
به‌ن‌آ به‌ن‌دیسری‌ارب؟ دهدب ماجنا ار ی‌لمع‌چه
ن‌آ؟ دوشب ک‌س‌تم و ت‌ب‌شتم ی‌اهلیسو چه
زا ار ن‌اسنا هک‌ی‌زیچ‌ن‌آ. تسادخ‌داین‌آ؟ تسیچ
ن‌آ؟ تسیچ‌ن‌آ، در‌بی‌م‌ت‌دحو به‌و دنکی م‌ترتک
! تسادخ‌دای

ن‌ب‌ب‌زات‌ترتک‌داین‌آ هک‌دوشی م‌ب‌جوم‌ادخ‌دای
و دی‌آی م‌ادخ‌دای. دوشب‌ادخ‌دای به‌ل‌دبتم و دورب
دای. دنادرگی‌مرب‌ار رکف، دنادرگی‌مرب‌ار بلق
نَنْمَطَتْ لِلَّهِ رِجْزِبُ الْأَلْبِ ت سا رکذ ن‌آ؟ تسیچ‌ادخ
رکذ‌اب‌و‌ادخ‌دای‌اب. تسان‌یمه‌ش‌یانعم¹ (ب‌وُلُقْلًا
ی‌م‌رکذ‌ن‌یا‌روط‌چ‌لاماد. ددرگی‌مرب‌ل‌دن‌یا، ادخ
ی‌م‌ریث‌ت‌دی‌آ‌م‌درو‌ن‌یا‌روط‌چ؟ دنکی م‌ریث‌ت‌دی‌آ
دنامی‌مذ‌ن‌یا‌ی‌ارب‌زور‌ما‌رگید‌ت‌صرف؟ دنک

بجر هام ی‌ارب‌ی‌پاه‌ه‌صوت

ی‌هام‌بجر‌هام. میتسه‌بجر‌هام‌ه‌ناتس‌آ‌رد‌ام

یلیخ هام نیا رد راگدرورپ تا ضویف هک تسا
 نیا ام ،بجر هام هعدا تیفیک زا و تسا دایز
 هام یهاعد .مینک هداقتسا میناوتی م ار بلطم
 ی دیحوت هبج .دنکی م قرفاهاعد ریاس اب بجر
 - اقا موحرم .دراد هبلغ بجر هام هعدا نیا رد
 اقفر بجر هام زال بق لاس ره - هیلع الله ن او ضر
 اهنا یارب و دندرکی م عمج ار ناشناتسود و
 یارب بجر هام لئاضف زا و دندرکی م تبحص
 زا یلیخ تسا مدای یّ تد و دندرکی م نایب اهنا
 ی اءن و دفاولا باء» فورعم یاعد نیا ،تاقوا
 ن و مملا عاض و کلا لائان و ضر عثما رسذ و کر یغ
 ،کاضف عجتنا ن لائان و عجتما بدجا و کب لائا
 ح رشکی و همجرت ار اعد نیا ،«...ح و تقم کباب
 ناشیا زانم تارم و تارک هب .دندرکی م یلامجا
 یارب و ناتسود یارب بجر هام زال بق هک مدینش
 یلیخ و دندرکی م نایب ار لئاسم نیا ناشناقفر
 بجر هام نیا رد ناسنا مکنیا رب دنتشاد دیکأت
 و اهبقارم .دنک تبظاوم و دنک تبقارم دیاب یلیخ
 دیاب و اءجوت و مایا و رو هشد ریاس زا دشاب تشید
 نابعش هام رد هکی تا ضویف هصلاح و دشاب تشید
 میناوتی م ،دوشی م ناسنا بیصن یّ تد ناضمر و
 هام زا و دوشی م ثعبنم بجر هام زا هک مییوگب
 نابعش هام یارب دنکی م ادیپت یارسه کتسا بجر
 .دنیوگی م «الله رهش» ار بجر و ناضمر هام و
 م هار ش تهج و دراد ادخ دوخ هب ص اصتخا ی نعید
 هدینش ناگرزب زا و دندومرفی م هکی روطن آ
 هام رد قح ترضد تایلجت هک تسا نیا ،هدش
 ن لائا» تیاور نیا و تسا مایا ریاس زاشید بجر
 و اهلا او ضر عتف لائا تاحفد مکرهد مایا ی ف م کبر ل

آر هانظ مرکا ربمغیپ زاک ار «اهذع اوضرعتلا
 ی م بجر هام هب طوبرم ار نیا ،تسا یورم
 م همایا ریاسرد تسا نکم بوخهتبا .دنتسناد
 هام رد یلو ،مایا زای ضعبرد لاسرد ،دشاب
 هک مرکا ربمغیپ تیاور .تسا رتدیدش نیا بجر
 ی تقو ره رد لاعتم دنوادخ هک دینادب :دنیا مرفی
 ی اصاخ تاحفد هک دراد ی تاحفد کی تاقوا زای
 و دصرتم ،دیشاب ریگی پی ،دیشاب بظاوم و تسا
 نیا رانکرد و بتجرد ار دوخ هک دیشاب بقارم
 تلفغ و دینکضار عا ادابم و دیهدب رارق تاحفد
 امش هب و دیایب هحفذ نآ هک دوشب بجوم امش
 رد نیا .دنکد معنتم و دنمهر هب ار امش و دروخذ
 .تسا رتشیب روهد ریاسرد زای بجر هام

بجر هام رد دوروی اربن اشیا هکی بلاطم زای
 بشد لامعاً :لوا باطم :دندرکی م ایصوتی لیخ
 ره ناشدوخ ناشیا هک تسا بجر هام لوا بمعج
 نارهدرد هک م هی تقو نآ رد .دندادی م ماجنا لاس
 برغم زامنید هک دنراد رطاخ هب امی اقفر دندوب
 ماجنا ناشیا ار «بئاغرلا هلیل» لامعاً نآ اشعو
 ناشیا قفر هک دندرکی م ایصوت امتد و دندادی م
 لامعاً ،لامعاً نیا رایسب و دنهدب ماجنا ار نیا
 شومارف ناسود و اقفر الله عاشن .تسا ی مهم
 تیاور رد .دندوب ماجنا ار نیا امتد هک دنکی مذ
 دوشبل خاد و ارب بجر هامی صخش رگا هک میراد
 هک ،ار هبنشچنپ نیلوا ،ار هام نآ لوا هبنشچنپ و
 هب صاصتخا نیا مییوگب ام هک تسا نکم هتبا
 رگا یّ تد ،درادن بجر هام ل خاد هبنشچنپ
 زای نعید- دشاب م هی ناآلا ی دامج رخا ،هبنشچنپ
 رگا یّ تد -دوشی مذ هدیمهف صاصتخا نیا تیاور

لومشم زاب دشاب مه ی ناآلا ی دامج رخا هبنشجنپ
 ؛دریگب هزور ار هبنشجنپ ،دوب دهاوخ تیاور
 هعمج بش نیلوا ،ن آ هعمج بش هک ی ا هبنشجنپ
 دعب هک ی ا هعمج بش نیمه لثم .تسا بجر هام
 ،دنتشوند میوقتردهک هچنآ قبطاً اقاقتا هک دما دهاوخ
 .دوب دهاوخ مه بجر هام لوا زور هبنشجنپ
 نیب ،هعمج بش رد و دریگب هزور ار هبنشجنپ
 ؛دراد زامذ تعکر هذراود ،عاشد و برغم زامذ
 ود اتش شد ،حبص زامذ لثم ،تعکر ود اتش شد
 رد -هدش هتشوند مه حیتافم رد- دراد زامذ تعکر
 هروس هبترم هس ،دمد هروس زا دعب ی تعکر ره
 ﴿دَحَاُ لِلّٰهٖ اَوْ هٗ لَقٰی﴾ هروس هبترم هذراود و ﴿هَنْزَلْنَا اَنۡبَاۙ﴾
 ش لیصفت- تعکر هذراود نیا ن دش مامت زا دعب و
 هاگذ دنناوتی م افر ،هتشوند حیتافم نیمه رد ار
 یَّبۡنَا دِمۡحِیۡ اَعۡلِ صَمۡهَلۡ لۡا :هبترم داتفه -دندک
 ،دندگی م هجسد هب رسد دعب ،هَلَا یۡ اَعۡ وَ یۡ مَلَا
 ،حَوۡرۡ لۡا وَ مَکۡلَا مَلَا بُرۡ سِ وۡدُقۡ حِوۡبۡسِ :هبترم داتفه
 رَفۡعَا بُرۡ :هبترم داتفه ،درادی م رب رسد هرابود
 ،مَظۡعَلَا یۡ لَعَلَا تَنَا کَنَا مَلَعۡتَا مَعۡ زَوَاجَتَا وَ مَحَرَاوۡ
 :هبترم داتفه و درازگی م هجسد هب رسد هرابود
 هک میراد و حَوۡرۡ لۡا وَ مَکۡلَا مَلَا بُرۡ سِ وۡدُقۡ حِوۡبۡسِ
 ی تجادره و دزرمای م ار و ا ناهانگ مامت دنوادخ
 ار نیا .دنکی م اطع و ا هب دنوادخ ،دهاوخب هک ار
 ناشناتسود هب و دنتشاد دیکات اقا موحرم ی لیخ
 .دندرکی م شرافس ی لیخ

،تسه بجر هام رد هک ی ا هبعدا زا رگید
 ن آ زا ی کی و هدمآ مه حیتافم رد هک تسا ی یاهاعد
 دَمَحۡمِ طَسَاوۡ هب هک تسا ی فیرشد ی اعد نیا ،هاعاد
 زا ،دوب دیعد نب نامثع دنزرف هک نامثع نب

وَا تَسَدَّ هَبْ هَادِفِ اِنْحَاوَرَا اللّٰهُ يَقْبُ تَرْضُدُ فَرْطُ
 :دِنَاوْخِبْ جَر هَام رِد اَر اَعْد نِيَا نِيَا عِيشَه كَدِيَسِر
 هَبْ كَوَعَدِيَا مِعِمَجِي نَاعَمَبِ كَالْنَسَا يِنَا مَهْلَاُ
 مَوْحَرْمُو تَسَا يَبِيَجَعِي اَعْد رَايَسْبَه كَ «هَرِمَا ؕ لَأُو
 ،بَجَرِي لَائِلَا زَا يَضَعْبُ ،نَاشِيَا هَكَ تَسَه مَدَايَا اَقَا
 .دِنْدِرْ كِي مَحْرَشْ اَر اَعْد نِيَا اَهْلَا سَا زَا يَضَعْبُرِد
 رَايَسْبُ فَسَا تِي اَجَه كِي بِلَا طَم زَا يَكِي هِنَا قَسَا تَم
 ،اَقَا مَوْحَرْمُو زَا اَعْد نِيَا حَرْشَه كَتَسَا نِيَا ، دِرَاد
 و دِرَاد يَبِيَجَعِي نِي مَاضَم رَايَسْبُو تَسِي نَتَسَد رِد
 وَا يَارِبُو دِنَك تِي اَعْد قِي فُو تِي دِرْفَه بَدِنُو اَذِرْ كَا
 ،دُو شَد فَشْ كَنَم اَعْد نِيَا يِنَاعَم و يَدِي حُو تَقِي اَقَد
 اللّٰهُ يَقْبُ تَرْضُدُ اَر يَرَا سَا هَبْ هَكَ دِي مَهْفُ دِهَاوْخِ
 نَدِنَاوْخِ و دِنْدِرْ ك نَايِد اَعْد نِيَا رِد ،هَادِفِ اِنْحَاوَرَا
 .تَسَا دَكُوْم رَايَسْبُ جَر هَام زُو رَه رِد اَعْد نِيَا
 هَام رِد دِيَا بَ اَمْتَه كَتَسَا يَا هِيْعَدَا نَا زَا يَكِي نِيَا
 :هِيْعَدَا نَا زَا يَكِي .دُو شَد هَدِنَاوْخِ زُو رَه بَجَر
 هَكَ تَسَه «هَنَائِلُوْا دَهْشَم اِنْدَهْشَا يَدَّلَا لِيْهِ دُمَحْلَاُ»
 يَكْرَبْتَم نَا كَم و مِي تَسَه هَكَ يِيَا جَر ه رِد مِي رَاد
 بُوْخِ ،تَسَا دَهْشَم رِد يَسْ كَه كَدِي نَكْ ضَرْفِ ،تَسَه
 ،اَضْرَلَا يَسُوْم نَبِيْ اَعْد تَرْضُدُ تَمْدُخ رِد اَجْنَا
 هَمَطَا ف تَرْضُدُ تَمْدُخِ ،تَسَا مَق رِد اَجْنِيَا
 تَرْضُدُ رِد هَكْنِيَا اِي ،اَهْيَلَا اللّٰهُ مَلَا سَه مَوْصَعَم
 ،دُو بِنْد مَه رْ كَا تَرْوَص رَه رِد ؛تَسَا مِيْظَعْلَا دَبِع
 اَر اَعْد نِيَا نَا سَنَا هَكْنِيَا هَبْ دِرَاد نِي تَا فَا نَم نِيَا
 رِد هَكَ تَسَا يَدَكُوْم يَا عْد رَايَسْبُ مَه نِيَا ،دِنَاوْخِبْ
 يِرْ كِي دِيَا هَا عَد .تَسَا هَدْش رَكْز اَعْد نِيَا حِي تَا فَم
 هَام صَوْصُخ رِد هَكَ مَه اَهْنِيَا تَسَه حِي تَا فَم رِد هَكَ
 حِي حِصُو تَسَا حِي حِصُ اَهْنَا مَامْتِ ،تَسَه بَجَر
 نَمَا وَ رِيْخَلْ كِلَا هُوْجْرَا نَمَا يِي» لَثَم و تَسَا دَنَسَا

تسا بحتسم زامنزا دعبهک «رَّشَلُّكَ دَعَا طَحَسَ»
داجسد تر ضد یاعد هک رگید یاهاعد دننام ای
«نیلئاسلا جئاوحد کلمینم ای» تسا اجنآ رد که
این هم بسیار دعای عالیة المضامینی است. اینها
را هم چنانچه انسان در اوقات مختلف [بخواند
برای او مفید خواهد بود].

اعد ات دنچ هعفدکی تسیند بوخناسنا ،دینییب
عقوم رد ناسنا هکتسا نیا رتهب .دناوخبم هاب ار
رصع و رهظ زامننید ،دناوخب اعد کی حبص
کی عاشدع و برغم زامنمقوم ،دناوخب اعد کی
م هاب .دناوخب یکی بورغ زالبق ،دناوخب اعد
،ادج ،ادج هکلب ،تسا حوجرم ،اهنیا ن دناوخب
ناسنا یارب یبیجع تارینئات نیا .دناوخب ناسنا
و دشیم ایصوتق باسد هکی بلاطم هلمج زا .دراد
دشیم هداد ی مومع و ی لک روتسد کین اوندع هب
هب تبسند ی ضاق موحرم هک دوب ی تاروتسد
ناضمر و نابعدش و بجر هام رد ،ن اشنادرگاشد
نیا زا دبلا اقفر هک دندومرفی م ار بلاطم نیا
تسا دکوم رایسب اهنیا و دنراد علاطا لئاسم
هام رد اصوصخ ،هام هس نیا رد باق روضح
تسا دکوم رایسب هبقارم .تسا دکوم رایسب بجر
زا ار ش دوختاروطخ و ش لعف ،ش ملاک ناسنا
رانکرب و درادب رنحرب هراما سفن ابد ضراعته
اجنیا رد دنوادخ هکتسا ی اهرفسد هصلاخ و درادب
دنک هداقتسا دناوتب ردقچ ناسنا هکنیا ات هدرکن هپ
نامز رد دندوبی دارفا رایسب هچ هک مینیب ام اعقاو
اهنآ هب دنوادخ هک دنتشاد وزرا اهنیا هک هتشذگ
دنمهر هب تمعدن نیا زا دنتسناوتی م و دادی م قیفوت
ن لآ دنوادخ .تسا ی لآخن اشتسد ن لآ ی لو دنوشب

مکنیا آتہ داد ام بہ تاید و داد ار قیفوتن یا ام بہ
رکاش ار ادخت معذن یا میناوتی م و حذہ چہ مینیب
میشاب.

ہام نیا رد تسا دکوم ی لیخہ کی لئاسم زا ی کی
رکذ ، ناضمر ہام و نابعد ہام رد روطنیمہ و
ن آمادم رکذ . دراد ار رکذ ن آناسنا ہکتسا ی مادم
ددع نودب ناسنا و درادن ددع ہکتسا ی رکذ
مادم رکذ ، رکذ نیا بہ . دیوگب ار رکذ ن آناسنا
مہ ی لاکشا و تسینہ ہیددع راکذا عرچ ؛ دنیوگی م
لَا اِلهَ اِلَّا لا رکذ لثم . دیوگب ہکی صخش ی ار بہ درادن
دیوگب ار رکذ ن آناسنا مادم و حذہ روطنیمہ . اللہ
،تسا ہتسشن . دیوگب اللہ لَا اِلهَ اِلَّا لا دوری م ہار دراد
ن اہد لائم ای دمہفب مہ ی سک ی تہ مکنیا نودب م ار آ
نیا . دیوگب اللہ لَا اِلهَ اِلَّا لا رکذ ، دشاب ہتشاد ی تکر دوا
ہیسنوید رکذ ، راکذا ن آناسنا ی کی .تسا بسانم ی لیخ
نَم تَنْکِ ی نَا کَتَحْبَس تَنَّا لَا اِلهَ اِلَّا لا ہکتسا

ددع نودب ہک ہدش ہیصوت ہک تسا^۱ (نیملاًظلاً
نید دیوگب لائم بہترم ددع دناوتی م ی سک رگا
دیوگب بہترم تسیود ، دناوتی م ی کی رگا . نیعولظلاً
؛ ددع نودب ی ہتتم تسا مہم رایسب ہیسنوید رکذ نیا
ہاجنپ و ددع ، بہترم ددع ، بہترم داتفہ ، بہترم ہاجنپ
و دوشن ہتسخ ہکی رادقم ن آناسنا ی سک رہ ، بہترم
زا ریفد دوز و دندرک دیکأت ناگرزب زا ی لیخ
ہک مدینش - ہیلع اللہ ن اوضر - دآدع ی اقا موحرم
ہیسنوید رکذ نیا رد ی ہاجنگ : ہک دندومرفی م ناشیا
، دشاب ہتشاد ت مادم ی صخش رگا و تسا ہتفہذ
دناسری م ی گرزب ی لیخت امعذکی بہار وا دنوادخ
صوصخ ی ار بہکتسا ی دراوم ن آناسنا ی کی مہ نیا

871 ، عابینلاً .

تسا هدش هئیسوتن اضر و نابعد و بجر هام
علاطا اقر و ناتسود اعبط هک رگید بلاطم
تسا نابعد هام رد هک تسا یاهیدا دننام دنراد
هک ناضر هام لفاوند. تسا ناضر هام هکنیا ای
بجر هام یارب هک هچنآ اما. تسا دعب اهینیا للاح
هک دوب یبلاطم نیا هدش دیکات و اهد تبسندی لیخ
،هقرشم دهاشم ترایز ،نآرب هفاضا. دش ضرع
ترضد ،دنتسه ناربط رد هک یدارفا لاثم
و تسا منتغم رایسب نیا ،هیلع الله ملسد میظعلا دبع
یقلنا یلع ماما زا تیاور رد. تسا مهم یلیخ
نم: «دندومرف هک میراد ی داه ماما ،ملاسلا هیلع
«علا برکب ن یسحلا راز نمک ی رب میظعلا دبع راز
ترایزی ررد ار میظعلا دبع ترضد هکی سک»
ای «هدرک ترایز ار ادهشلا دتیس هکنیا لثم ،دنک
،تسه یاهداز ماما یرهد ره رد رگا هکنیا
یمناسنا ،قثوم و دمتعم و دنسلا ح یحص هداز ماما
دنه رهب اجنآ تا ضویف زا و دورب اجنآ هک دناوت
ی تاروتسد زا یکی ،هقرشم دهاشم ترایز. دوشب
هد و -هیلع الله ناوضر- ی ضاق مو حرم هک تسا
و نادرگاشد و ناتسود هد ،رگید ناگرزب اهنا عبت
لئاسم نآ زا یکی. دندرکی م دیکاتی لیخن اشیا قفر
هتبلأ. تسا رثوم رایسب هک تسا روبقلها ترایز
رابکی اهتفه لاقا ،دورب ناسنا زور ره هکنیا هذ
اب دماوتفر و محر هلد ،ی ضرم تدایع. دورب
،ی نامیا ناردارب و ی ناحور علاخا و ناردارب
عفر و طاسبنا رد ی یازسبر یثأت و تسا دکوم یلیخ
بجر هام نوچ هک دوب ی لئاسم اهینیا. دراد ضبق
تمدخار بلاطم نیا متساوخنم ،تسا یکیدزن
.منک ضرع اقر

هک دهدب قیفوت ام همه هب دنوادخ اللهءاشنإ
دنوادخ هک ىتاضویف ن آزا رتشیب هچره میناوتب
ىنازرا هکرتبم ىاههام نیا رد شنآگدنب ىارب
دنمهرهب ام ،لمکا و هجونسحا هب تساهتشاد
میوشب

دَمَحْمِلِ آ وَ دَمَحْمِ ى اَعْلِ صَدْمُهُلَّا